

نقش تحریم‌های اقتصادی در تجارت بین ایران و افغانستان

نوع مقاله: ترویجی

نادر مهرگان^۱

محمد غفاری فرد^۲

مرتضی کاظمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۲

چکیده

در عصر حاضر به دلیل پیشرفت سیستم حمل و نقل و فناوری ارتباطات، اقتصاد و تجارت کشورها در هم تنیده شده است. این موضوع اهمیت حیاتی تجارت خارجی را به عنوان اصلی ترین اهرم رشد و توسعه اقتصادی را بیشتر نمایان ساخته است. در این بین تجارت میان ایران و افغانستان به دلیل همسایگی و دارا بودن ظرفیت‌های زیاد همکاری های تجاری و اقتصادی اهمیت مسأله را دوچندان می‌کند. اما وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تجارت میان دو کشور را، با انواع موانع و محدودیت مواجه می‌سازد. لذا در این پژوهش، تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر مبادلات تجاری ایران و افغانستان طی سال‌های (۱۳۹۹-۱۳۸۰)، به روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده بررسی و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، وضع هرگونه تحریم اقتصادی نه تنها باعث کاهش تجارت میان دو کشور نشده است بلکه باعث شده که در بلند مدت تجارت میان ایران و افغانستان افزایش یابد. بنابراین دو کشور می بایست راهکارهای لازم را جهت کاهش اثر تحریم‌ها و توسعه تجارت را بکار بگیرند.

کلمات کلیدی: تحریم اقتصادی، تجارت، ایران، افغانستان، حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده،

طبقه‌بندی JEL: F21, F10, C23

mehregannader@gmail.com

۱ استاد دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول)

mghunivers1390@gmail.com

۲ استادیار دانشگاه اهل بیت

smkazimi25@gmail.com

۳ دانشجوی ارشد دانشگاه اهل بیت

مقدمه

افغانستان یکی از معدود کشورهای جهان است که محاط به خشکی بوده و هیچ دسترسی به آبهای آزاد ندارد. این امر باعث گردیده است تا در تجارت و بازرگانی بیشتر به همسایه‌های خود متکی باشد. از طرف دیگر این کشور در دهه‌های اخیر همواره محل نزاع و درگیری قدرت‌های مختلف و گروه‌های نظامی افراطی بوده است. بنا براین اقتصاد این کشور همواره متأثر از جنگ بوده است. هرچند در سال ۱۳۸۰ به دنبال تأسیس حکومت جدید، وضعیت اندکی بهبود یافته و حداقل این کشور توانسته روابط اقتصادی با کشورهای مختلف برقرار نماید و عضویت بعضی از سازمان‌های اقتصادی را بدست آورد.

براساس گزارش بانک جهانی کشاورزی اساس اقتصاد افغانستان را تشکیل داده و ۶۰ درصد خانواده‌ها عواید شان را از این راه به دست می‌آوردند (جویا، ۱۳۹۵: ۱۹). با آن همه به سبب نرخ بازدهی پایین کشاورزی به دلیل عدم دسترسی به وسایل مدرن و وقوع جنگ‌ها در مناطق زراعتی هنوز این کشور سالانه مقدار زیادی محصولات کشاورزی بویژه آرد و گندم را از کشورهای دیگر وارد می‌کند. سهم صنعت در اقتصاد این کشور به علت نبود زیر ساخت‌های لازم بسیار کم‌رنگ است. به همین دلیل سهم تولیدات داخلی در تجارت این کشور بسیار کم بوده و اکثر کالای مورد نیاز خود را از خارج تأمین می‌کند.

ایران نیز یکی از معدود کشورهای جهان است که اختلافات بسیار شدید در مسایل مختلف با امریکا و قدرت‌های غربی دارد. این اختلاف‌ها باعث شده است که هدف تحریم‌های امریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گیرد. وضع تحریم‌های اقتصادی باعث گردیده است که مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری آن، دچار انواع مشکلات و موانع گردد. در فرایند تحریم‌های اقتصادی، شواهد حاکی از آن است که ایران با تغییر ساختار تجارت خارجی و از طریق افزایش تجارت با کشورهای نظیر چین، هند، افغانستان و سایر کشورهای که تحت تحریم‌های اقتصادی امریکا قرار ندارند و به هر دلیل تحریم‌های اقتصادی امریکا و اتحادیه اروپا را در مناسبات تجاری خود با ایران لحاظ نمی‌کنند، کوشیده اند به طور نسبی، با دور زدن تحریم‌ها، جریان کالاهای ضروری را برای رشد و توسعه اقتصادی خود تا حد ممکن حفظ نمایند. به عنوان نمونه، به اساس آمار گمرک ایران، در بازه زمانی (۱۳۹۸-۱۳۸۰)، تجارت ایران با چین و افغانستان به ترتیب ۲۲,۸ و ۴۴,۲ برابر افزایش، در مقابل تجارت با سوئد و ژاپن به ترتیب ۲۶ و ۱۰ برابر کاهش یافته است.^۱ به این ترتیب فارغ از مسأله دور زدن تحریم‌های اقتصادی، شرکای عمده تجاری ایران هم

۱ گمرک ایران - داده‌های تجارت خارجی

تغییر کرده است. بنا بر این کشورها، روابط اقتصادی و تجاری شان را بر اساس روابط سیاسی تنظیم می‌کنند.

بیشتر اقتصاددانان که تجارت موتور رشد در جهان امروزی است و تجارت امکان بهره‌گیری از توانمندی های اقتصادی بالقوه را با توجه به مزیت‌های نسبی موجود به وجود می‌آورد. تجارت نرخ رشد اقتصادی از طریق دسترسی به به بازارهای خارجی، تکنولوژی و منابع متأثر می‌سازد. در مطالعات تجربی که توسط فدر ۱۹۸۲ و ادوارد ۱۹۹۸ انجام شده است نشان می‌دهد که انتقال بین‌المللی فناوری به جریان تجارت ارتباط دارد (جعفری سرشت، سلمان پور و شکوهی فرد، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

با توجه به روابط خوب دو کشور همسایه لازم است، روابط اقتصادی و تجاری گسترش یابد. همچنین مطالعاتی که در خصوص رشد اقتصادی افغانستان شده نشان می‌دهد که در بین کشورهای همسایه، ایران بیشترین تأثیر مثبت را در رشد اقتصادی افغانستان داشته است (خاشعی، ۱۳۹۸). این مسئله ضرورت توسعه مبادلات بین دو کشور را دو چندان می‌کند.

سازماندهی این مقاله به نحوی است که نخست مروری بر دیدگاه‌های نظری درباره تحریم داشته و در بخش دوم، مطالعات انجام شده درخصوص موضوع مورد بحث اشاره شده است. در بخش سوم، روند تجارت ایران و افغانستان بررسی شده است و در بخش چهارم، روش تحقیق معرفی و مدل برآورد شده است و در نهایت تجزیه و تحلیل، جمع بندی، نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی تحقیق انجام شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. نگاهی مختصر به تجارت و تحریم در اسلام

تجارت یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی است که اسلام آن را به عنوان یکی از منابع مشروع و مباح قرار داده است. متون فقهی به دلیل اهمیت و گستردگی مسائل تجارت، از زوایای مختلف به آن پرداخته است. تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت بوده زیرا هدف آن فراهم ساختن وسایل رفاه عمومی در جامعه بشری است. خداوند در قرآن کریم بر انسان منت می‌نهد که راه تجارت داخلی و خارجی راه برای او مهیا ساخته است. حصرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر بازرگانان و صنعت کاران را در کنار یکدیگر نام می‌برد ضمن برشمردن اهداف مشترک دو گروه به حاکم اسلامی جهن رسیدگی امور آنان توصیه می‌کند. امام صادق(ع) یکی از علت‌های تحریم ربا را اقبال مردم به تجارت دانسته است؛ زیرا فرهنگ ربا خواری انگیزه‌های

بازرگانی را از بین می‌برد و موجب کاهش تولید می‌شود. پیامبر اسلام قبل از بعثت در کاروان تجارتی قریش به عنوان نماینده حضرت خدیجه به شام مسافرات می نمود. از جمله اصول مهم حقوق تجارت در عصر حاضر، گردش ثروت و توزیع عادلانه آن می‌باشد که در کتاب آسمانی نیز تذکر داده شده است.

سیاستی که امروز به بنام تحریم یاد می‌شود ریشه طولانی در تاریخ اسلام دارد. از منظر قرآن کریم دشمنان همواره در اندیشه این هستند تا عدالت خواهان را به تسلیم واداشته و آنان را از مسیر حق و حقانیت و دفاع از عدالت باز دارند. همچنین تلاش دشمنان این است که عدالت خواهان را از مواضع اصولی اصولی خویش از جمله حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران باز دارد. در حالی که این امور از مهم‌ترین مواضع دولت اسلامی در سیاست خارجی است (نساء، ۷۵). مروری بر تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که یکی از روش‌های دشمنان محاصره و ایجاد انواع محدودیت اقتصادی جهت به زانو درآوردن و عقب نشینی از مواضع حق طلبانه و ستم ستیزانه آنان است. حادثه شعب ابی طالب و تحریم آب و غذا در حادثه عاشورا در سال ۶۱ هجری قمری را می‌توان به عنوان تحریم اقتصادی در صدر اسلام مطرح نمود.

از منظر اسلام عقب نشینی نسبت به اصول و مواضع اصولی در هیچ زمانی و حالی جایز و روا نیست. حکومت و امت اسلامی نباید از مواضع اصولی خود کوتاه آید، زیرا دشمنان تا زمانی تسلیم یا تغییر رفتار و آیین، دست از فشار و تهدید بر نخواهد داشت و محاصره و تحریم جز با تغییر نظام سیاسی اسلام و عقب نشینی از آیین آن پایان نمی‌پذیرد (جواهر دهی، ۱۳۹۷). خداوند مؤمنان را به قطع وابستگی به بیگانگان تشویق می‌کند (توبه، ۲۸).

براساس قاعده نفی سبیل در قوانین و شریعت اسلام، هرگونه راه نفوذ و تسلط کفار، بر مسلمین را بسته اند. بنا براین در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست (غفاری و یونس، ۱۳۹۵، ۷۰).

۲-۱. تحریم اقتصادی و انواع آن

تحریم اقتصادی عبارت از یک ابزار در دست دولت‌ها و بازی گران بین‌المللی است که به منظور تحت فشار قرار دادن کشورهای غیر همسو یا کشورهای که از نظر آنها ناقض اصول بین‌المللی هستند، استفاده می‌گردد (نادمی و حسوند، ۱۳۹۸: ۱۵۶). به عقیده ایلر^۲ تحریم سلاح اقتصادی است که در میدان مبارزه غیر نظامی دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و وارد عمل نموده است (ایلر،

^۱ Economic Sanctions

^۲ Eylar

۲۰۰۷:۴). تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به اشکال مختلف دسته بندی کرد. از منظر کشورهای تحریم کننده (منبع تحریم) به سه دسته: یک جانبه، چند جانبه و جامع تقسیم نموده اند. زمانی یک کشور به تنهایی تحریم وضع نماید، تحریم یک‌جانبه شکل می‌گیرد، در صورتی که تعداد وضع کننده‌گان تحریم از یک دولت فراتر رود، تحریم چند جانبه شکل می‌گیرد و در تحریم جامع واضح آن شورای امنیت سازمان ملل است. هافبایر و اویچ (۲۰۰۳) تحریم‌ها را به سه دسته محدود (ضعیف)، متوسط و گسترده (شدید یا قوی) که میزان شدت و پوشش آنرا بیان می‌کند تقسیم نموده اند. تحریم‌های ضعیف را به چهار نوع: (۱) محدودیت، تعلیق کمک های اقتصادی؛ (۲) ممنوعیت صادرات قطعات نظامی و محصولات با کاربردهای دوگانه؛ (۳) محدودیت ارائه خدمات ضمانت بانکی؛ (۴) محدودیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی در کشور هدف. تحریم متوسط شامل مجموعه‌ای از تحریم‌های مالی و تجاری (ممنوعیت سرمایه‌گذاری در کشور هدف، بلوکه (منجمد) ساختن اموال و دارای کشور هدف، وضع محدودیت صادرات به کشور هدف) است. در نهایت تحریم‌های شدید در گیرنده تحریم‌های گسترده ی تجاری و مالی هستند که به هدف ایجاد محدودیت بسیار سخت در تجارت و سرمایه‌گذاری در کشور هدف اعمال می‌شود. ازمنظر کسانی که ملزم می‌شود تحریم‌ها را رعایت کنند (مخاطبان تحریم) به دو دسته تحریم‌های اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. دولت‌ها معمولاً اشخاص حقیقی و حقوقی تابعان خود را در برابر نقض تحریم‌ها مورد مجازات قرار می‌دهند، این تحریم‌ها به «تحریم‌های اولیه» معروف است. اما در برخی موارد دولت‌ها اتباع دولت‌های دیگر را نیز در برابر نقض تحریم مجازات می‌کند که به «تحریم‌های ثانویه» معروف است (صفا و ردادی، ۱۳۹۴: ۸۱). تحریم اقتصادی از کانال‌های که تحریم کننده‌گان دنبال می‌کنند، در سه قالب طبقه بندی می‌شود: الف) تحریم واردات؛ ب) تحریم صادرات؛ ج) تحریم مالی و بانکی.

۳-۱. تاریخچه تحریم‌ها

استفاده از ابزار تحریم سابقه طولانی در روابط بین‌الملل دارد. قدیمی‌ترین مورد تحریم اقتصادی در سال ۴۳۲ قبل از میلاد در یونان باستان اجرا شد که در آن اهالی پایتخت یونان (آتن) از واردات کالا از شهر جنوبی یونان (میگارا^۳) منع شدند (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۹). استفاده از تحریم به شکل نوین، به قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد. در آن دوران اعمال تحریم اغلباً از طریق

^۱ Hufbauer & Oegg

^۲ Limited, moderate and extensive

^۳ Megara

محاصره بنادر توسط ناوهای جنگی یک دولت یا گروه از دولت‌ها به شکل ائتلاف، جهت قطع مناسبات اقتصادی با کشورهای که در جنگ نبودند صورت می‌گرفت (هرندی، ۱۳۹۷: ۹۶). این روش به تدریج توسعه یافت و به یکی از ابزار قهرآمیز، اما بدون جنگ برای وادار ساختن دولت‌های که از نظر تحریم کننده‌گان نا فرمانی تلقی می‌شدند، به پرداخت بدهی یا خسارت و یا هم تسویه اختلاف‌های بین‌المللی به کار گرفته می‌شد. در اواخر قرن نوزدهم استفاده از تحریم‌های اقتصادی در زمان جنگ معمول گردید و صادرات کالای راهبردی تحت کنترل درآمد و عرضه این نوع کالا به کشورهای خاص منع شدند (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۲۰). در سال ۱۹۱۹ میلادی ویلسون رئیس‌جمهور سابق امریکا، تحریم‌های اقتصادی را یک راهکار اقتصادی صلح‌آمیز و در عین حال مهلک برای اداره جامعه جهانی توسط جامعه ملل^۱ پیشنهاد کرد (هافبائر و همکاران، ۱۹۹۰). میثاق جامعه ملل نخستین سند بین‌المللی است که مجوز تحریم را صادر نموده است (هرندی، ۱۳۹۷: ۹۷). تا این زمان استفاده از تحریم‌های اقتصادی در زمان غیر از جنگ معمول نبود. در نیمه اول قرن بیستم اصطلاح تحریم اقتصادی به تحریم‌های جامعه ملل اطلاق می‌گردید و این تحریم‌ها به چند مورد یعنی: یوگسلاوی (۱۹۲۱)، یونان (۱۹۲۵)، پاراگوئه و بولیوی (۱۹۳۲) و ایتالیا (۱۹۳۵) محدود می‌شد. طبق مطالعه هافبر و الیوت^۲ (۱۹۹۰) حداقل ۱۳ مورد تحریم قبل از جنگ جهانی اول اعمال شده بودند. در اواخر قرن بیستم میلادی یک پارچگی اقتصاد جهانی موجب شد قدرت‌های جهانی از ابزار تحریم اقتصادی جهت تحمیل و قبولاندن اراده خود بر سایر کشورها بیشتر کار گیرد (صفا و ردادی، ۱۳۹۴: ۷۶). موج جدید تحریم‌ها در ختم جنگ سرد و ظهور نظام تک قطبی شروع گردید و قدرت‌های جهانی برای جلوگیری از هزینه مداخله نظامی در کشورهای دیگر از تحریم به عنوان ابزاری جایگزین جهت پی‌گیری و دنبال نمودن سیاست و منافع خود استفاده کردند (روجرس^۳، ۱۹۹۶). به نحوی که در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰ کشورهای جهان ۱۱۵ مورد تحریم و از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ کشورهای جهانی ۶۱ تحریم را تجربه کرده‌اند (اخوی و حسینی، ۱۳۹۶: ۴۰). ملاحظه می‌شود که استفاده از تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک ابزار مهم جهت تحت تأثیر قرار دادن رفتار کشورهای غیر همسو تبدیل شده و حتی مورد پذیرش سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند. این رویکرد باعث گردید، شورای امنیت سازمان ملل که در ۴۵ سال اول عمرش فقط دوبار اقدام به وضع تحریم بر ضد رودزیا (۱۹۶۶) و افریقای جنوبی (۱۹۷۷) کرده بود، تنها در دهه ۱۹۹۰، ۱۶ بار تحریم بر ضد کشورهای بوسنی، چین و

^۱ The League of Nations

^۲ Hufbauer & Elliott

^۳ Rogers

سومالی به تصویب برساند (کورتایت^۱ و همکاران، ۲۰۰۰). در جریان قرن بیستم بعد از جنگ جهانی اول، تحریم‌های یک جانبه نیز رونق یافت، بگونه ای که از مجموع ۱۱۵ مورد تحریم اقتصادی در فاصله زمانی (۱۹۹۰-۱۹۱۴)، ۷۷ مورد یعنی ۶۷ درصد کل این تحریم‌ها از سوی امریکا اعمال شده بودند (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۲۰). روسیه نیز در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷، ۳۵ مورد تحریم برای تحمیل اراده خود بر جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده وضع کرده‌اند (دریزنر^۲، ۱۹۹۹). از آغاز قرن ۲۱ نیز تحریم اقتصادی به عنوان یک سیاست خارجی با اهمیت و اسلحه ای مرگبار جایگزین جنگ مطرح شده است (اخوی و حسینی، ۱۳۹۶: ۳۹). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تحریم اقتصادی یک نوع به کارگیری ابزار حقوقی برای منافع سیاسی در حوزه اقتصاد است، به این مفهوم که تحریم‌کننده‌ها، با پوشش حقوقی از طریق نهادهای بین‌المللی به دنبال بهره‌گیری سیاسی هستند و در این راستا از فشار اقتصادی بر کشورهای غیر همسو استفاده می‌کند (هرندی، ۱۳۹۷: ۹۲).

تحریم‌های اقتصادی بر ضد ایران نیز قدمتی نسبتاً طولانی داشته که معمولاً از جانب قدرت‌های جهانی برای دستیابی به اهداف سیاسی، نظیر تغییر رفتار سیاسی و یا تغییر نظام سیاسی، علیه اقتصاد ایران اعمال گردیده است (نادمی و حسنوند، ۱۳۹۸: ۱۵۹). در این میان نقش امریکا در وضع و اجرای تحریم‌های اقتصادی به شکل عام در جهان، به شکل خاص علیه ایران بسیار پر رنگ بوده و با گذشت به شدت در حال افزایش است. در مجموع دو سوم از تحریم‌های جهان توسط امریکا اجرا شده است (اخوی و حسینی، ۱۳۹۶: ۴۱). به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی سهم امریکا در کاربرد سیاست تحریم اقتصادی و تعداد تحریم‌ها از ۶۷ درصد در بازه زمانی (۱۹۹۰-۱۹۱۴) به ۹۲ درصد در بازه زمانی (۱۹۹۹-۱۹۹۰) افزایش یافته است. تنها در دوره اول ریاست جمهوری کلینتون^۳ دولت امریکا ۶۱ تحریم اقتصادی علیه ۳۵ کشور که جمعیت ۲،۳ میلیارد نفر، ۴۲ درصد کل جمعیت و ۱۹ درصد کل صادرات آنزمان را شامل می‌گردید به اجرا گذاشته بودند.

۴-۱. تحریم‌های اقتصادی ایران

هرچند اولین تجربه تحریم ایران در دهه ۱۳۳۰ به دوران حکومت مصدق و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت بر می‌گردد. انگلیس و امریکا در آن زمان با ابزار تحریم کوشیدند مانع ملی شدن صنعت نفت در ایران گردد (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۲۱). اما تجربه اصلی تحریم‌های اقتصادی

^۱ Cortright

^۲ Drezner

^۳ Clinton

غرب و به ویژه امریکا علیه ایران به سال‌های بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مرتبط است؛ زیرا این انقلاب ایران به یک کشوری مخالف سیاست‌های امریکا در منطقه تبدیل نموده است. تحریم‌های ایران را بعد از انقلاب اسلامی و روی کارآمدن نظام جمهوری اسلامی به لحاظ شدت تحریم و نوع رفتار بازی‌گران، می‌توان به چند دوره تقسیم نمود:

- از سال ۱۳۵۷ تا اوایل سال ۱۳۸۵ (۱۹۷۹ تا ۲۰۰۶) یعنی: از زمان پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظامی شاهی تا انتقال پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل؛
 - از ۱۳۸۵ تا ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۲۰۰۶ تا ۱۴ جولای ۲۰۱۵) یعنی: از زمانی انتقال پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل تا شکل‌گیری موافقت‌نامه بین‌المللی برجام (۱۴ جولای ۲۰۱۵)؛
 - از ۲۳ تیر ۱۳۹۴ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۱۴ جولای ۲۰۱۵ تا ۸ می ۲۰۱۸) یعنی: از زمان شکل‌گیری برجام تا خروج یک‌جانبه امریکا از این توافق؛
 - از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ تا بهمن ۱۳۹۹ (۸ می ۲۰۱۸ تا جنوری ۲۰۲۱) یعنی: از خروج یک‌جانبه امریکا از توافق برجام (توسط فرمان اجرایی ترامپ) تا ریاست جمهوری جو بایدن؛
- انقلاب اسلامی و روند حرکت ایران بعد از پیروزی انقلاب و ایستادگی در برابر عراق باعث گردید که امریکا بر علیه ایران تحریم‌های بیشتری را اعمال نماید. تا اوایل سال ۲۰۰۶ امریکا از تحریم‌های یک‌جانبه استفاده کرد و سیاست‌های تحریم و یا ممنوعیت تجاری امریکا را هیچ یک از کشورها و هم‌چنین شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران اعمال نکرده بود (نادمی و حسوند، ۱۳۹۸: ۱۵۴). در سال ۲۰۰۶ پرونده هسته‌ای ایران باعث گردید که تحریم‌های ایران وارد مرحله جدید شود و سطح تنش با امریکا بیشتر افزایش یافت و اتحادیه اروپا به عنوان شریک نخست تجاری ایران نیز در برابر ایران قرار گرفت. از زمان انتقال پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد، این پرونده از وضعیت حقوقی خارج شد و به فضای سیاسی-امنیتی کشیده شد و شش قطعنامه علیه ایران که نخستین آن جنبه اخطاری و پنج قطعنامه دیگر تحریم‌های سنگین را علیه ایران اعمال کرد، صادر شد. پس از تصویب قطعنامه‌ها از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، موجی تازه‌ی از تحریم‌ها به طرف ایران سرازیر شد؛ حسن روحانی رئیس‌جمهور کنونی ایران با شعار «تعامل سازنده با کشورهای منطقه و جهان» حل مسأله هسته‌ای را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد و در نتیجه گفتگوهای میان ایران و گروه ۵+۱ که قبل از این بارها به بن بست انجامیده بود، منجر به توافق برجام گردید. در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ که موافقت‌نامه برجام امضا شد. در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۵ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تصویب شده که بر اساس آن تحریم‌های قبلی شورای امنیت لغو شده و کشورهای امضاکننده این توافق‌نامه، موظف به

اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند (دلخوش، ۱۳۹۶: ۵۲). توافق نامه برجام موجب آزاد سازی دارایی های مسدود شده ایران، لغو قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، خارج شدن شرکت های مهم از فهرست تحریم و برخی گشایش های اقتصادی در ایران شد. اما طبق ادعای ایران پس از آنکه ایران به همه تعهدات اش طبق متن برجام عمل کرد، طرف غربی تعهدات شان را به شکل کامل اجرا نکرده است.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ در امریکا و با اتکا به «سیاست عملگرایی و انزواگرایی» در مقابل «سیاست بین المللی گرایی» در ۸ می ۲۰۱۸ امریکا با فرمان اجرایی ترامپ از برجام خارج شد (کریمی فرد، ۱۳۹۷: ۲۸۸). بر علاوه تحریم های یک جانبه را نیز بر نهادها (دولتی و غیر دولتی) و اشخاص ایرانی وضع نمود. خروج یک جانبه امریکا از برجام باعث گردید تحریم های ایران وارد فصل تازه شود و ایران بیشتر هدف تحریم های یک جانبه امریکا قرار گیرد. جواب دادن به شعار پایان دادن به سیاست یک جانبه گرایی ترامپ و بازگشت به تعهدات بین المللی در انتخاب ریاست جمهوری ۲۰۲۰ پیروز شد. به همین دلیل گفتگوی غیر مستقیم در موضوع برجام آغاز شد؛ اما تا حال به کدام نتایج دست نیافته و مذاکرات غیر مستقیم جریان دارد. هر چند گفتگوی ایران با گروه ۵+۱ موجی از خوشبینی ها را ایجاد نموده است؛ ولی با توجه به عمق اختلافات میان ایران و امریکا موضوع پیچیده تر از آن است. در واقع این پرونده با گذشت زمان ابعاد گسترده تری به خود گرفته و به پرونده ی چند بعدی و چندلایه تبدیل شده است که حل این مسأله به ساده گی امکان پذیر نخواهد بود.

۲. مطالعات انجام شده

هر چند پژوهش حاضر اولین پژوهش است که اثر تحریم ها را بر تجارت ایران و افغانستان بررسی میکند؛ اما در زمینه اثر تحریم بر تجارت ایران تحقیقات گسترده انجام شده و در اینجا نتایج آخرین تحقیقات بیان می شود:

آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، اثر تحریم های اقتصادی را بر روابط تجاری ایران و شرکای عمده آن در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴ بررسی نموده است یافته ها نشان می دهد که تحریم های تأثیر منفی کمتری بر ارزش صادرات و واردات داشته در حالی که تحریم شدید تأثیر منفی قابل توجه بر میزان صادرات و واردات داشته است.

دیزجی و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از روش (GMM) و داده های ترکیبی پویا تأثیر تحریم های اعمال شده را بر ارزش تجارت متقابل کشاورزی بین ایران و کشورهای منا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا بررسی نموده است. یافته ها نشان می دهد که تحریم بر ارزش تجارت متقابل

محصولات کشاورزی بین ایران و کشورهای منا بی تاثیر ولی در مقابل بر ارزش صادرات محصولات کشاورزی ایران به اتحادیه اروپا تاثیر مثبت و معنادار داشته است.

ساجدیان فرد و همکاران (۱۳۹۸)، آثار تحریم‌های بین‌المللی را بر ساختار تجاری ایران با رویکرد نظریه شبکه بررسی کرده اند و نتیجه می‌گیرد که موقعیت ساختاری اقتصاد ایران در شبکه تجارت بین‌الملل تأثیر زیاد از تحریم نگرفته و ایران جزء کشورهای پیرامون شبکه بوده است.

مجیدی و زارونی^۱ (۲۰۱۶)، تأثیر تحریم‌ها را بر اقتصاد ایران، با استفاده از روش تحلیل توصیفی بررسی نموده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحریم‌ها، قسمت بزرگی از اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده است و آثار منفی و مثبت بر اقتصاد ایران دارد. محدود کردن دسترسی به منابع مالی و ارز، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش بیکاری و تورم، کاهش رشد اقتصادی از نتایج منفی تحریم‌ها به شمار می‌رود. کاهش وابستگی اقتصاد به نفت، بهبود ظرفیت تولید داخلی و کاهش آسیب پذیری در برابر عوامل خارجی از آثار مثبت تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به شمار می‌رود.

قدوسی و کاراملکی^۲ (۲۰۲۰)، تأثیر تحریم‌های کلی و هدفمند اعمال شده توسط اتحادیه اروپا علیه ایران را بر تجارت دوجانبه آنها بررسی نموده است. نتایج نشان می‌دهد که تحریم کلی جریان تجارت بین دو شریک تجاری را به شدت مختل کرده است.

دی^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی روند تحولات اثرات تحریم‌ها بر تجارت بین‌المللی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اثرات همزمان تحریم‌ها بر تجارت بزرگ، منفی و از نظر آماری قابل توجه است. همچنین اثرات منفی و قابل توجه تحریم‌ها پس از هشت سال پس از لغو آن به تدریج از بین می‌رود.

۳. روند تجارت ایران و افغانستان

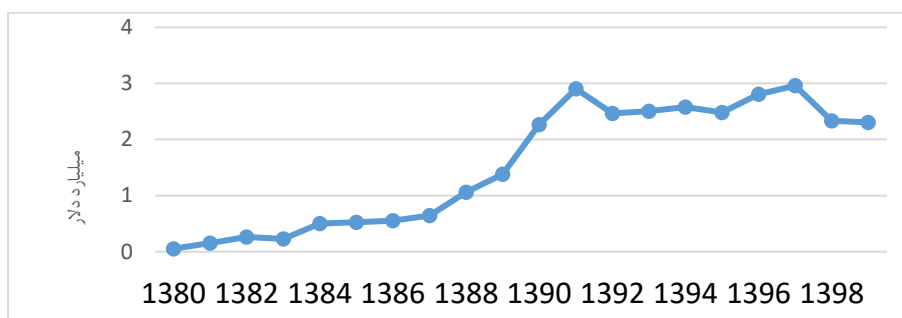
همانطوریکه در مقدمه ذکر گردید عدم دسترسی افغانستان به آبهای آزاد، وقوع جنگ‌ها، عدم زیرساخت‌های اقتصادی، سهم اندک صنعت در اقتصاد، نرخ بازدهی پائین کشاورزی و بسیاری از موارد دیگر باعث گردیده که این کشور در تجارت و بازرگانی بیشتر به همسایه‌های خود از جمله ایران و پاکستان متکی باشد. از طرف دیگر در اثر تحریم‌های امریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل بعضی از شرکای تجاری ایران تجارت خود را با این کشور به شدت کاهش داده است. از آنجایی که پیدا کردن بازارهای مناسب برای محصولات یک کشور موجب استفاده از صرفه‌های

^۱ Majidi & Zarouni

^۲ Ghodsi & Karameliki

^۳ Dai

ناشی از مقیاس شده و باعث کاهش هزینه و تولید می‌گردد. بر اساس ادبیات تجارت بین‌الملل، عوامل زیادی بر تجارت مؤثر اند یکی از این عوامل قرابت‌های مذهبی و فرهنگی است (یعقوبی منظری و رضایی، ۱۳۹۷: ۹۱). این موضوع باعث شده است که ایران برای پر نمودن خلاء به وجود آمده و برای جریان انداختن تجارت خارجی خود به سراغ بازار کشورهای دیگر از جمله بازار ۷ میلیارد دلاری وارداتی افغانستان برود و تجارت را با افغانستان گسترش دهد. اضافه بر این، هم مرز بودن، اشتراکات فرهنگی افغانستان و ایران از دیگر مسایل است که در گسترش تجارت ایران و افغانستان تأثیر گذاشته است. روند تجارت ایران و افغانستان در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱. روند تجارت ایران و افغانستان

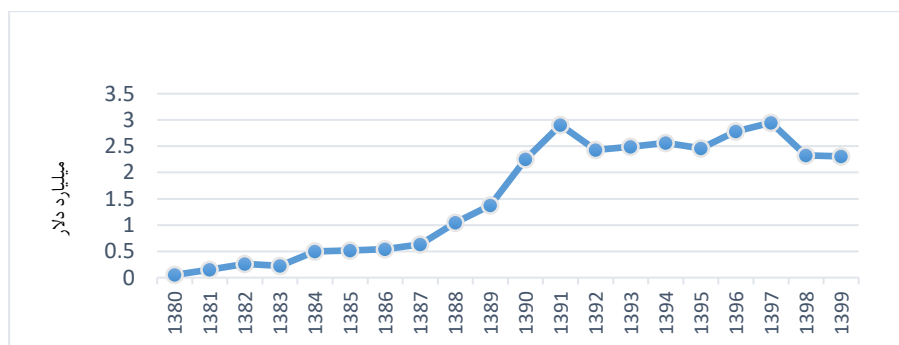
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق نشان می‌دهد که تجارت ایران و افغانستان از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ با وجود آنکه در بعضی از سال‌ها نسبت به سال قبل آن کاهش داشته است؛ اما به طور میانگین روند افزایشی داشته است. تجارت دو کشور در بازه زمانی مذکور سالانه به طور میانگین بیش از ۲ برابر افزایش یافته است.

۳-۱. عملکرد صادراتی ایران به افغانستان (عملکرد وارداتی افغانستان از ایران)

تحریم‌های غرب علیه ایران یکی از عوامل اصلی تغییر شرکای تجاری ایران به شمار می‌رود. کشورهای متحد امریکا (مخالفان ایران) به دلیل تحریم‌ها و همراهی با سیاست‌های امریکا در شرایطی که بخواهند به کشور ایران در عرصه اقتصاد بین‌الملل فشار آورند، به سرعت روابط تجاری خود را کاهش می‌دهند. ایران نیز به منظور فعال نگهداشتن تجارت خارجی خود و دور زدن نسبی این تحریم‌ها، از طریق افزایش تجارت با کشورهای که تحریم‌های امریکا را در روابط تجاری شان با

ایران به هر دلیل لحاظ نمی‌کنند، می‌کوشد واردات و صادرات کالای مورد نیاز را تاحدی ممکن حفظ نماید. افغانستان یکی از کشورهای است که تجارت آن با ایران در طول زمان و با افزایش تحریم‌ها، افزایش قابل ملاحظه داشته است. روند صادرات ایران به افغانستان در نمودار (۲) را نشان داده شده است.



نمودار ۲. روند صادرات ایران به افغانستان

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق نشان می‌دهد روند صادرات ایران به افغانستان از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ روند افزایشی را طی نموده است؛ طوری که از حدود ۵۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰، در سال ۱۳۹۹، به دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار رسیده است. با این حساب صادرات ایران به افغانستان در ۲۰ سال اخیر بیش از ۴۴ برابر افزایش یافته است.

۳-۲. عملکرد صادراتی افغانستان به ایران (عملکرد وارداتی ایران از افغانستان)

هرچند طی چند سال اخیر پیشرفت‌ها و دستاوردهای قابل توجه در عرصه رشد بخش خصوصی و توسعه تجارت بین‌الملل در افغانستان انجام شده است؛ اما هنوز هم تعداد از چالش‌های ظرفیتی و زیربنایی باعث گردیده است که افغانستان با تراز تجاری غیر متوازن (تفاوت بارز صادرات و واردات) طی چندین سال یکی از کشورهای کمتر توسعه یافته باقی بماند.

نبود راه‌های مواصلاتی استاندارد و عدم دسترسی این کشور به آب‌های آزاد، تجارت خارجی آنرا به منافع سیاسی کشورهای همسایه (به ویژه پاکستان) متکی ساخته است. اینها همه عوامل ساختاری، طبیعی و جغرافیایی هستند که پیشرفت اقتصادی را بطنی و کند ساخته است. عاملی که دارای نتیجه مثبت اقتصادی خواهد بود موقعیت مرکزی این کشور میان مناطق فرهنگی و اقتصادی آسیای مرکزی و جنوبی است که این کشور را به مرکز حمل و نقل (زمینی و هوایی) و وصل کننده

تجارت مرکز و جنوب آسیا مبدل کرده است. اندازه تجارت افغانستان و ایران به تفکیک سهم دو کشور در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. تجارت ایران و افغانستان (به تفکیک صادرات و واردات)

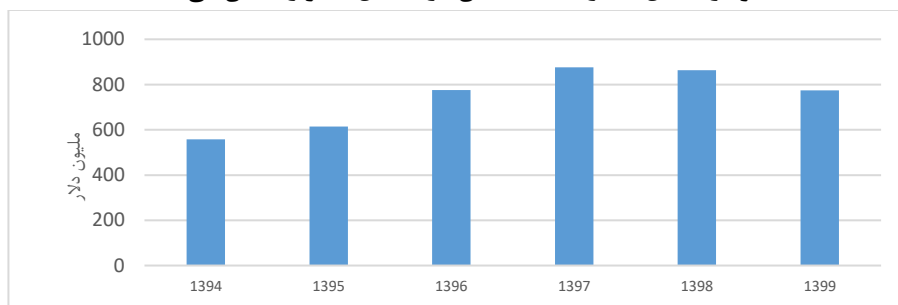
سال	واردات از ایران	صادرات به ایران	سهم ایران (درصد)	سهم افغانستان (درصد)	تجارت
۱۳۸۰	۵۱۹۲۷۹۷۸	۷۳۹۲۱۹	۹۸٫۶	۱٫۴	۵۲۶۶۷۱۹۷
۱۳۸۱	۱۵۰۰۹۱۰۴۹	۵۰۴۱۲۶	۹۹٫۷	۰٫۳	۱۵۰۵۹۵۱۷۵
۱۳۸۲	۲۵۹۹۳۴۲۲۶	۱۸۰۳۹۶۵	۹۹٫۳	۰٫۷	۲۶۱۷۳۸۱۹۱
۱۳۸۳	۲۲۲۰۰۳۷۰۰	۳۶۴۱۳۶۹	۹۸٫۴	۱٫۶	۲۲۵۶۴۵۰۶۹
۱۳۸۴	۴۹۷۰۷۴۵۰۴	۶۳۴۵۲۵۳	۹۸٫۷	۱٫۳	۵۰۳۴۱۹۷۵۷
۱۳۸۵	۵۱۵۵۴۹۲۸۸	۸۸۸۵۴۰۵	۹۸٫۳	۱٫۷	۵۲۴۴۳۴۶۹۳
۱۳۸۶	۵۴۲۹۲۳۸۴۲	۸۹۳۶۱۰۸	۹۸٫۴	۱٫۶	۵۵۱۸۵۹۹۵۰
۱۳۸۷	۶۳۲۸۴۷۳۵۳	۱۱۲۰۰۴۶۱	۹۸٫۳	۱٫۷	۶۴۴۰۴۷۸۱۴
۱۳۸۸	۱۰۴۷۰۲۳۹۸۶	۱۵۴۵۳۶۶۱	۹۸٫۵	۱٫۵	۱۰۶۲۴۷۷۶۴۷
۱۳۸۹	۱۳۷۸۱۰۲۶۸۶	۱۱۶۴۹۷۳	۹۹٫۹	۰٫۱	۱۳۷۹۲۶۷۶۵۹
۱۳۹۰	۲۲۵۲۸۰۵۶۵۷	۱۰۲۸۰۰۶۹	۹۹٫۵	۰٫۵	۲۲۶۳۰۸۵۷۲۶
۱۳۹۱	۲۹۰۱۸۴۳۴۷۱	۲۴۶۳۴۱۲	۹۹٫۹	۰٫۱	۲۹۰۴۳۰۶۸۸۳
۱۳۹۲	۲۴۲۹۰۹۶۸۶۲	۳۴۶۲۵۸۸۱	۹۸٫۶	۱٫۴	۲۴۶۳۷۲۲۷۴۳
۱۳۹۳	۲۴۹۰۸۰۷۰۰۹	۱۴۸۶۵۱۴۱	۹۹٫۴	۰٫۶	۲۵۰۵۶۷۲۱۵۰
۱۳۹۴	۲۵۶۵۶۳۶۶۳۸	۱۴۱۸۴۲۶۲	۹۹٫۴	۰٫۶	۲۵۷۹۸۲۰۹۰۰
۱۳۹۵	۲۴۵۸۷۷۵۵۰۹	۲۱۶۴۲۴۱۰	۹۹٫۱	۰٫۹	۲۴۸۰۴۱۷۹۱۹
۱۳۹۶	۲۷۸۵۲۳۱۴۳۵	۲۰۳۹۸۲۴۱	۹۹٫۲	۰٫۸	۲۸۰۵۶۲۹۶۷۶
۱۳۹۷	۲۹۴۸۰۹۹۷۷۹	۱۱۰۰۹۱۵۸	۹۹٫۶	۰٫۴	۲۹۵۹۱۰۸۹۳۷
۱۳۹۸	۲۳۲۴۳۲۶۳۳۸	۷۶۵۷۶۳۳	۹۹٫۷	۰٫۳	۲۳۳۱۰۹۸۳۰۹۷۱
۱۳۹۹	۲۳۰۵۵۵۷۴۴۷	۴۱۶۶۷۰۹	۹۹٫۸	۰٫۱۲	۲۳۰۹۷۲۴۱۵۶
میانگین	۱۵۳۷۹۸۲۹۳۸	۹۹۹۸۳۷۲۰۷۶۷	۹۹٫۱	۰٫۹	۱۵۴۷۹۸۱۳۱۱

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

جدول فوق نشان می‌دهد در تجارت میان ایران و افغانستان ایران بیش‌تر نقش صادراتی داشته و افغانستان نقش وارداتی دارد؛ در بازه زمانی (۱۳۸۰-۱۳۹۹) به طور میانگین اضافه از ۹۹ درصد حجم مبادلات تجاری را صادرات ایران به افغانستان و کمتر از یک درصد را صادرات افغانستان به ایران تشکیل می‌دهد. دو موضوع اصلی را می‌توان دلیل کم بودن صادرات افغانستان به ایران نام برد: نخست اینکه افغانستان عمدتاً یک کشور وارداتی است که سالانه بسیاری از کالای مورد نیاز خود را

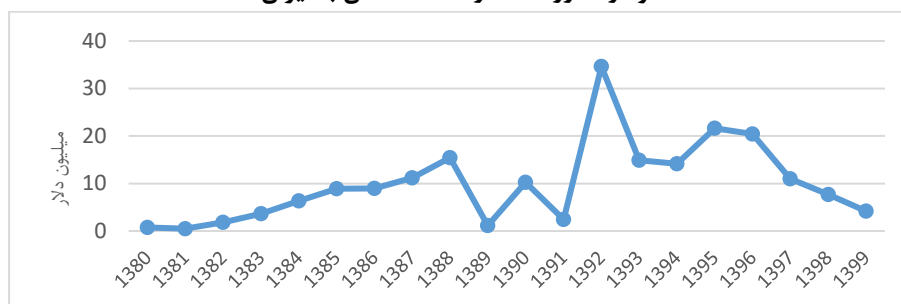
وارد می‌کند؛ طوری که طبق گزارش وزارت تجارت و صنایع افغانستان در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب ۸۸,۶۹ و ۹۰,۹۳ درصد کسری بیلانس تجارتي داشته است. هر چند دولت افغانستان در چند سال اخیر استراتیژی کاهش واردات و افزایش صادرات را اتخاذ نموده که در آن مقدار صادرات در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب ۱,۵ میلیارد دلار و ۲ میلیارد دلار هدف گذاری شده بود؛ اما عواملی چون؛ افزایش نا امنی، نبود زیر ساختهای اقتصادی (برق، جاده‌های استاندارد و...) و ویروس کرونا، باعث شده است که برنامه دولت به هدف تعیین شده نرسد و عملاً با هدف تعیین شده فاصله زیادی داشته باشد. نمودارهای (۳) و (۴) به ترتیب صادرات افغانستان را به کل کشورها و صادرات افغانستان را به ایران نشان می‌دهد.

نمودار ۳. کل صادرات افغانستان در ۶ سال اخیر را نشان می‌دهد



مأخذ: گزارش‌های سالانه وزارت تجارت و صنایع افغانستان

نمودار ۴. روند صادرات افغانستان به ایران



مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق نشان می‌دهد صادرات افغانستان به ایران بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ با فراز و نشیب همراه بوده است؛ طوریکه در سال ۱۳۸۹ کمترین حد و سال ۱۳۹۲ بیشترین حد را تجربه نموده است. صادرات افغانستان به ایران در مقایسه به واردات آن از ایران رشد اندک داشته و در ۲۰ سال گذشته ۵,۶ برابر گردیده است.

۴. روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ ابزاری یک مطالعه کتابخانه‌ای از نوع تحلیلی- توصیفی است و از نگاه هدف کاربردی تلقی می‌شود. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز بین سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۹۸) از سه منبع (گمرک ایران، بانک جهانی و وزارت تجارت و صنایع افغانستان) بدست آمده و سپس داده‌ها توسط برنامه ایویوز ۱۰ با استفاده از مدل اقتصادسنجی، روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده^۱ پردازش گردیده است. مدل تحقیق حاضر به کمک مدل جاذبه تعدیل یافته که برای اولین بار توسط ایزارد^۲ (۱۹۵۴) و تینبرگین^۳ (۱۹۶۲) مطرح و سپس توسط آندرسون^۴ (۱۹۷۹) و کروگمن و هلپمن^۵ (۱۹۸۵) توسعه داده شده و در تخمین تجارت بین کشورها مورد استفاده قرار گرفت، برآورد شده است. معادله مدل تحقیق به شکل زیر است:

$$\ln \text{TRADE}_{ijt} = \beta_1 \ln \text{TGDP}_{ijt} + \beta_2 \ln \text{RER}_{ijt} + \beta_3 \ln \text{POP}_{ijt} + \beta_4 \text{EXT} + \beta_5 \text{LIM} + \beta_6 \text{EXT} * + \beta_7 \text{LIM} * \quad (1)$$

۴-۱. تعریف عملیاتی متغیرها

Trade: متغیر وابسته مدل می باشد، اندازه تجارت را میان ایران و افغانستان در جریان یک سال به دلار امریکا نشان میدهد. داده های این متغیر، از سایت گمرک ایران بدست آمده است و در اینجا به شکل لگاریتمی وارد مدل شده است.

TGDP: حاصل ضرب GDP ایران و افغانستان ($\text{GDP}_I * \text{GDP}_{AF}$) را به قیمت ثابت (قیمت‌های سال ۲۰۱۱) می‌باشد که در مدل شکل لگاریتمی آن استفاده شده است. داده های این متغیر از

^۱ Fully Modified Ordinary Least Square (FMOLS)

^۲ Izard

^۳ Tinbergen

^۴ Anderson

^۵ Krugman & Helpmann

^۶ امامی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۰ و ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۱۱

سایت W.D.I^۱ مربوط به بانک جهانی گردآوری شده است. این متغیر بیانگر اندازه اقتصاد و قدرت تولید کشورها را نشان می‌دهد. انتظار می‌رود ضریب این متغیر مثبت یا منفی باشد. اگر این ضریب مثبت باشد بیانگر این است که کشور برون‌گرا عمل نموده با افزایش GDP، بیشتر کالا صادر و وارد نموده است. اگر این ضریب منفی باشد بیانگر این است که کشور درون‌گرا عمل نموده و با افزایش GDP بیشتر کالای مورد نیاز خود را در داخل کشور تولید نموده است.

T POP: حاصل جمع جمعیت ایران و افغانستان می‌باشد که اندازه بازار دو کشور را نشان می‌دهد و ابزار اصلی مدل جاذبه تعمیم یافته می‌باشد. زمانی که جمعیت یک کشور افزایش یابد، اندازه بازار آن افزایش می‌یابد و مقدار تجارت خارجی آن کشور افزایش خواهد یافت. داده‌های این شاخص از سایت W.D.I بدست آمده است.

RER: نرخ ارز واقعی شریک تجاری مورد نظر (افغانستان) را به ریال نشان می‌دهد که از فورمول زیر به دست می‌آید:

$$RER_{ijt} = \frac{OER_{it} * P_{it}}{OER_{jt} * P_{jt}} \quad (2)$$

در معادله بالا OER_{it} و OER_{jt} به ترتیب نرخ مبادله ارز رسمی کشور i و j را به دلار آمریکا در زمان t می‌باشد.

P_{it} و P_{jt} به ترتیب شاخص قیمت مصرف کننده^۲ در کشور i و j است. داده‌های این دو شاخص از سایت بانک جهانی گردآوری شده است. انتظار می‌رود تا زمانی که نظریه اقتصادی رابطه عکس ارزش پول و مقدار صادرات برقرار باشد ضریب RER_{ijt} مثبت خواهد بود.

EXT و **LIM**: به ترتیب تحریم‌های قوی و ضعیف اعمال شده بر ضد ایران که معمولاً از سه ناحیه، آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل وضع شده که در قالب متغیرهای دامی (مجازی) وارد مدل شده است. سال‌های که تحریم وضع شده و دوام داشته عدد (۱) به کار رفته در غیر صورت عدد صفر (۰) جا‌گذاری شده است.

EXT* و **LIM***: به ترتیب تحریم‌های قوی و ضعیف اعمال شده در دوره‌های قبل که معمولاً از سه ناحیه آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل وضع شده در قالب متغیرهای دامی (مجازی) وارد مدل شده است. دوره‌های بعد از تحریم در صورتی که قبل آن تحریم وضع شده بود عدد (۱) به کار رفته در غیر صورت عدد صفر (۰) جا‌گذاری شده است.

۴-۲. روش برآورد مدل

^۱ World Development Indicators

^۲ Consumer Price Index (C.P.I)

روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده معمولاً تخمین‌های قابل اطمینان را برای نمونه‌های کوچک ارائه می‌کند و برای نمونه‌های بزرگ نیز کاربرد دارد. روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده یک روش ناپارامتریک است که همبستگی احتمالی بین اجزای خطای مدل و تفاضل مرتبه اول متغیرهای توضیحی با وجود ضریب ثابت، به منظور تصحیح خودهمبستگی سریالی را مورد محاسبه قرار می‌دهد و تخمین زن حداقل مربعات معمولی را به صورت ناپارامتریکی تصحیح می‌کند (فلیپ و هانسن: ۱۹۹۰). در واقع این روش امکان و شرایط لازم برای برآورد پارامترهای یک معادله هم انباشتگی را فراهم می‌آورد. لذا در صورت وجود رابطه بلند مدت و هم انباشتگی بین متغیرها مدل را می‌توان به روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده تخمین نمود و ضرایب بلند مدت را به دست آورد. در صورتی از روش یاد شده می‌توانیم ضرایب بلند مدت را تخمین نمایم که همه متغیر انباشته از درجه یک و هم چنان رابطه بلند مدت بین آنها برقرار باشد. به این منظور آزمون ریشه واحد انجام می‌شود.

۳-۴. آزمون ریشه واحد

نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای به کار رفته در تخمین تجارت دو جانبه بین ایران و افغانستان در جدول زیر گزارش شده است. جدول (۲) نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای به کار رفته در مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

نام متغیر	ارزش احتمال	Dicky-fullur آماره	مقدار بحرانی (۱٪)	مقدار بحرانی (۵٪)	مقدار بحرانی (۱۰٪)	وضعیت استای و نا استایی	درجه انباشتگی
Ltrade	۰,۴۸۵۲	۰,۱۵۲۱	-۴,۵۷۱۶	-۳,۶۹۰۸	-۳,۲۸۶۹	نا ایستا	I(1)
D(LTrade)	۰,۰۰۳۸	-۵,۱۵۸۸	-۴,۶۱۶۲	-۳,۷۱۰۴**	-۳,۲۹۷۸	ایستا	I(1)
LOG(POP _i * POP _{af})	۰,۱۹۹۲	-۲,۷۲۸۳	-۴,۷۲۸۳	-۳,۷۵۹۷	-۳,۳۲۵۰	نا ایستا	I(1)
DLOG(POP _i * POP _{af})	۰,۰۰۰۱	-۱۹,۸۲۷۳	-۴,۶۶۷۹***	-۳,۷۳۳۲	۳,۳۱۰۳	ایستا	I(1)
L(RGDP _i * RGDP _{af})	۰,۷۴۸۸	-۱,۶۶۷۶	-۴,۵۷۱۵	-۳,۶۹۰۸	-۳,۲۸۶۹	نا ایستا	I(1)
DLOG(GDP _i * GDP _{af})	۰,۰۴۹۵	-۳,۰۴۰۴	-۳,۸۵۷۳	-۲,۷۸۸۶**	-۲,۶۶۰۶	ایستا	I(1)

Phillips & Hansen

I(1)	نا ایستا	-۳,۳۲۵۰	-۳,۷۵۹۷	۴,۷۲۸۴	-۰,۲۰۴۳	۰,۹۸۵۳	RER
	ایستا	-۳,۱۰۳	-۳,۷۳۳۲	***-۴,۶۶۷۹	-۵,۷۵۸۳	۰,۰۰۱۶	D(RER)

منبع: محاسبات تحقق

***, ** و * به ترتیب به معنای ایستای با احتمال ۹۹ درصد، ۹۵ درصد و ۹۰ درصد می باشد.

باتوجه به جدول فوق متغیرهای جمعیت تجارت دوجانبه و تولید ناخالص داخلی انباشته از درجه یک (بعد از یک بار تفاضل گیری مانا می شود) می باشد.

۴-۴. آزمون هم انباشتگی (هم جمعی)

اگر متغیرهای مانند X_t و Y_t انباشته از درجه یک باشند درین صورت معمولاً U_t نیز انباشته از درجه یک خواهد بود؛ اما الزاماً چنین نیست، ممکن است U_t مانا باشد. قسمی که قبلاً اشاره شد مانا بودن U_t بیانگر این است که معادله تخمین شده یک رابطه تعادلی (هم انباشتگی) بین X_t و Y_t را توصیف می کند. بنا بر این برای آزمون هم انباشتگی ابتدا مدل را برآورد نموده و سپس پسماند ها را حساب می کنیم. با داشتن پسماندها می توانیم آزمون ریشه واحد را برای پسماندها انجام داد. در صورتی e_t ریشه واحد نداشته باشد، نشان می دهد که مانا است و این دلالت بر وجود رابطه هم انباشتگی بین X_t و Y_t می کند (سوری ۱۳۹۴: ۷۵۰). نتایج آزمون ریشه واحد پسماندهای متغیرهای مورد نظر که به آزمون انگل گرنجر معروف است در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳. آزمون انگل گرنجر

آماره انگل گرنجر	رزش احتمال	مقدار بحرانی (۱٪)	مقدار بحرانی (۵٪)	مقدار بحرانی (۱۰٪)
-۴,۸۸۲۴	۰,۰۰۱۳	***-۳,۸۵۷۴	-۳,۰۴۰۴	-۲,۶۶۰۵

منبع: محاسبات پژوهش

*** با احتمال ۹۹ درصد مانا (ایستا)

با توجه به جدول فوق که نشان می دهد پسماندها ریشه واحد ندارند و به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که میان متغیرها رابطه بلند مدت (هم انباشتگی) وجود دارد.

۴-۵. تخمین مدل

cointegration

با توجه به اثبات رابطه هم جمعی بین متغیرهای مدل در اینجا به تخمین ضرایب بلند مدت مدل پرداخته می شود. قسمی که قبلاً نیز تذکر رفت برای تخمین رابطه بلند مدت از روش (FMOLS) استفاده می گردد. نتایج تخمین بلند مدت در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴. تخمین مدل در بلند مدت

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح اطمینان
تحریم قوی (EXT)	۰,۳۴	۰,۲۳۳۲۲۸	-۱,۴۴۴۲۳	۰,۱۷۸۷
تحریم قوی دوره قبل (EXT*)	۰,۱۷	۰,۰۸۰۶۲۴	۲,۱۳۷۵۳۸	۰,۰۵۸۳
تحریم ضعیف (LIM)	۰,۹۶	۰,۴۵۸۲۷	۲,۱۰۴۰۳۲	۰,۰۶۱۷
تحریم ضعیف دوره قبل (LIM*)	۰,۵۹	۰,۱۵۷۰۴	۳,۷۴۱۲۸۴	۰,۰۰۳۸
جمعیت (TPOP)	۲۸,۶	۲,۶۴۵۷۴۳	۱۰,۸۳۶۵۸	۰,۰۰۰۰
تولید ناخالص داخلی حقیقی (RTGDP)	-۱,۶	۰,۸۱۴۸۶۶	-۱,۹۶۷۱۲۲	۰,۰۷۷۵
نرخ ارز حقیقی (RER)	-۰,۰۰۳	۰,۰۰۰۵۱۲	-۶,۲۲۵۵۰۹	۰,۰۰۰۱
مقدار ثابت (C)	-۴۶۳,۸۲	۳۵,۰۵۴۴۸	-۱۳,۲۳۱۶۴	۰,۰۰۰۰

منبع : محاسبات تحقیق

نتایج بدست آمده از ضرایب تحریم نشان می دهد که اجرای هر نوع تحریم تاثیر مثبت و معنادار در دوره اجرای تحریم و در دوره بعد از اجرای تحریم بر تجارت افغانستان و ایران داشته است. طوری که با اجرای تحریم های شدید و متوسط، در هر دوره در زمان اجرای تحریم تجارت میان دو کشور، به طور متوسط ۰,۳۴ درصد افزایش و در دوره ای بعد از تحریم به طور متوسط ۰,۱۷ درصد افزایش می یابد. در مجموع اعمال تحریم های ضعیف و متوسط (در دوره اجرا و دوره بعد اجرا) باعث افزایش ۰,۵۱ درصد تجارت دو کشور گردیده است. تحریم ضعیف هم در دوره اجرای تحریم و هم در دوره بعد از تحریم اثر مثبت و معنادار بر تجارت دو کشور داشته است. طوری که با اجرای تحریم های ضعیف (محدود) تجارت میان ایران در هر دوره اجرای تحریم و دوره بعد از اجرای تحریم به ترتیب ۰,۹۶ و ۰,۵۸ درصد افزایش می یابد. به این ترتیب اعمال تحریم های ضعیف (در دوره اجرا و دوره بعد اجرا) باعث افزایش ۱,۵۴ درصد تجارت میان ایران و افغانستان گردیده است. به طور کلی این نتیجه بدست می آید که اعمال هر نوع تحریم در هر دوره (در دوره اجرا و دوره بعد

از اجرا) باعث شده است که تجارت میان ایران و افغانستان به طور متوسط ۲,۰۱ درصد افزایش یابد.

ضریب به دست آمده از تولید ناخالص داخلی حقیقی منفی و معنادار است؛ طوری که با افزایش یک درصد تولید ناخالص داخلی حقیقی تجارت میان دو کشور ۱,۶ درصد کاهش می یابد. این موضوع نشان می دهد که دو کشور درون گرا عمل نموده و با افزایش تولید ناخالص داخلی کالای مورد نیاز را تا حد امکان در داخل تولید می کند. از طرف دیگر این موضوع شاید ناشی از عملی سازی استراتژی کاهش واردات در افغانستان و تطبیق سیاست اقتصادی مقاومتی در ایران باشد که در آن هر دو کشور استراتژی کاهش وابستگی به تولیدات خارجی دنبال می شود. ضریب به دست آمده از نرخ ارز حقیقی منفی و معنادار است؛ طوری که با افزایش یک درصد نرخ ارز حقیقی تجارت میان دو کشور ۰,۰۰۳ درصد تجارت کاهش می یابد. با توجه به اینکه سهم ایران در تجارت ایران و افغانستان بیشتر از ۹۹ درصد است. این موضوع نشان دهنده این است که با افزایش قیمت ریال در مقابل افغانی کالای ساخت ایران در افغانستان گران شده و افغانستان کمتر کالای ایران را خریداری می کند؛ اما به توجه به محدودیت‌ها در افغانستان تأثیر این افزایش قیمت بسیار کم است.

۵. بحث و نتیجه گیری

با توجه به روابط ۴۲ ساله خصمانه‌ی ایران و امریکا، امریکا همزمان با وضع تحریم‌های یک جانبه بر ضد ایران توانسته است حمایت بعضی از هم پیمانان خود را جهت مقابله با ایران بدست آورد. این موضوع سبب گردیده است که تحریم‌ها برضد ایران با گذشت زمان افزایش و شدت یابد. طوری که تحریم‌های اقتصادی یک پدیده‌ی بنیادی برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. با توجه به اینکه تحریم یکی از موانع مهم در عرصه تجارت خارجی به شمار می رود و در نتیجه باعث محدود سازی شرکای تجاری کشور هدف می شود. ایران برای دور زدن و یا کاهش آثار منفی این تحریم‌ها تجارت خارجی خود را با بعضی از کشورها که به هر دلیل از سیاست‌های تحریمی تحریم کننده گان، پیروی نکرده و به افزایش تجارت با ایران تمایل نشان داده، افزایش داده است. در واقع شرکای تجاری ایران را می توان به دو دسته تقسیم نماییم : ۱) کشورهای که در زمان اجرای تحریم‌ها، تجارت خود را با ایران افزایش داده اند مانند؛ چین، هند، ترکیه، افغانستان و ... ۲) کشورهای که در زمان اجرای تحریم‌ها، تجارت خود با ایران را کاهش داده اند مانند؛ سوئد، ژاپن، آلمان، فرانسه و ... در این میان افغانستان با توجه به موضوعاتی که قبلاً تذکر رفت یکی از کشورهای است که تجارت خود را با ایران در زمان اجرای تحریم و بعد از اجرای تحریم، چندین برابر افزایش داده اند انتظار می رود به دلیل نیاز دو کشور در آینده نیز افزایش یابد. از طرف دیگر با فرار رئیس جمهور

سابق افغانستان در ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ نظام جمهوری در افغانستان فروپاشید و گروه طالبان دوباره بعد از ۲۰ سال در افغانستان حاکم شده است. به دلیل اینکه تعداد زیادی سران طالبان در تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد و هم‌چنان نوع حاکمیت و چگونگی به قدرت رسیدن طالبان نیز باعث شده که دولت مستقر در افغانستان تا کنون از سوی هیچ کشور (حتی متحدین این گروه) به رسمیت شناخته نشده است. این موضوع باعث قطع کمک‌های جامعه جهانی و مسدود سازی دارای‌های بانک مرکزی افغانستان شده است که این موضوع می‌تواند روابط تجاری و اقتصادی ایران و افغانستان را به با مشکلات همراه سازد. از این رو لازم است دو کشور راهکارهای را جهت کاهش موانع و محدودیت‌های که ناشی از تحریم بوجود می‌آید در نظر داشته باشد. بنا براین در مطالعه حاضر به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی، بر مبادلات تجاری ایران و افغانستان در سال‌های (۱۳۹۸-۱۳۸۰) پرداخته شد نتایج نشان می‌دهد که تحریم‌ها نتوانسته تجارت ایران و افغانستان را کاهش دهد در مقابل تحریم‌ها باعث شده که تجارت میان دو کشور افزایش یابد.

۶. توصیه‌های سیاستی

۱. با توجه به تداوم تحریم‌های اقتصادی و احتمال استمرار آن و نیز با توجه به موضوعات اختلاف برانگیزی چون موضوع اسرائیل و فلسطین، پرونده هسته ای ایران، حضور امریکا در خاورمیانه و به شکل خاص در عراق، برنامه موشکی ایران و... نمی توان حداقل در کوتاه مدت نشانه بهبود روابط را انتظار داشت. در خوشبینانه ترین حالت با روی کار آمدن افراد میانه‌رو در متن قدرت و تصمیم‌گیری می‌توان انتظار داشت که این اختلافات مدیریت شود (نه حل بنیادی و ریشه ای اختلافات). لازم به ذکر است که بسیاری ها به این گفتگوها و توافقات دید بد بینانه داشته و معتقد اند که امریکا از این گفتگوها بیشتر هدف‌های تاکتیکی و پروژه ای را دنبال می کند (نه رسیدن به راه حل و حل بنیادی مسأله). خروج امریکا از برجام بیشتر این فرضیه را تقویت می‌کند. از طرف دیگر تجارب نشان داده است، در صورتی که توافق بین امریکا و ایران صورت بگیرد بازهم در طولانی مدت دوام نیاورده و به راحتی از سوی امریکا نقض می‌گردد که برجام یکی از نمونه های آن است. بنا بر این، برای کاهش اثر تحریم‌ها استفاده از بازارهای کشورهای همسایه ایجاد پیمان پولی دوجانبه بین ایران و افغانستان، استفاده از پول رایج دو کشور در تجارت دو کشور می‌تواند جهت کاهش اثر تحریم‌ها بسیار اثر بخش باشد.
۲. ایجاد بازارچه‌های مرزی مشترک، توسعه بازارهای مشترک تجاری بین دو کشور جهت تولید مشترک با برند یکسان بویژه محصولات کشاورزی و معدنی.

۳. از آنجا که ایجاد توافق نامه تجاری باعث ایجاد قوانین خاصی می‌گردد که رعایت آن از سوی اعضا الزامی است و کشوری عضو چنین سازمانی باشد اثر تحریم کاملاً بی‌اثر می‌گردد (خضری، ۱۳۹۵: ۹۵). بنا براین یکی از راه‌های کاهش اثر تحریم، ابتکار ایجاد و عضویت کشورهای ایران و افغانستان و کشور های قدرتمند اقتصادی نظیر چین و هند است. چنین سازمانی می‌تواند تا حدودی زیادی اثر تحریم‌ها را کاهش دهد.
۴. با توجه به اینکه سیاست، اقتصاد و تجارت رابطه ناگسستنی با هم داشته و از همدیگر به شدت تأثیر پذیر می‌باشد. از طرف دیگر گروه حاکم در افغانستان را هیچ کشوری تا این حال به عنوان یک دولت به رسمیت نمی‌شناسد. بنا براین بر گروه حاکم در افغانستان لازم است که جهت شناسای دولت شان اقدامات جدی انجام داده و روابط اقتصادی و سیاسی خود را با کشورها برقرار نماید
۵. همان طوری این تحقیق نشان داد نوسان پول رایج دو کشور باعث کاهش تجارت کشور می‌گردد، بنا براین برای تثبیت پول رایج شان دو کشور اقداماتی را انجام دهد.

منابع

- ۵۱ آقای، مجید رضا قلی‌زاده، مهدیه و محمد رضای، مجید (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده تجاری، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، ص ۵۰-۶۸.
۲. اخوی، سید محمد سادات و حسینی، سید شمس الدین؛ ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم در ایران (۱۳۹۶). فصلنامه اقتصاد کشاورزی، دوره ششم، شماره ۲۱.
۳. جعفری سرشت، داود، سلمان پور، علی و شکوهی فرد (۱۳۹۸)، اثر امنیت اقتصادی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی. فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۱۵۷-۱۷۲.
۴. جعفری هرنودی، کبرا (۱۳۹۷) آسیب شناسی تحریم‌های سازمان ملل از نظر حقوق بشر، مجله پژوهش‌های بین‌الملل، دور سوم، شماره ۳۱، صص ۹۱-۱۰۸.
۵. جویا، محمد عمر، گزارش اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۹۵، تهیه شده توسط بانک جهانی.
۶. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶)، برجام و پسا برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۱، صص ۵۱-۷۳.
۷. خاشعی، یوسف (۱۳۹۸)، همگرای رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای همسایه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، گرایش اقتصاد اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت - تهران.
۸. خضری، اوین (۱۳۹۴)، بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و مدیریت بازرگانی، گرایش علوم اقتصادی، دانشگاه تبریز.
۹. فرجی دیزجی، سجاد، جاریانی، فرزانه و نجارزاده، رضا (۱۳۹۷) تأثیر تحریم‌ها بر تجارت متقابل محصولات کشاورزی بین ایران و کشورهای منطقه منا و اتحادیه اروپا، مجله اقتصاد کشاورزی، جلد ۱۲ شماره ۲، صص ۶۹-۹۰.
۱۰. سوری، علی؛ اقتصاد سنجی پیشرفته؛ جلد اول و دوم، چاپ چهارم؛ انتشارات فرهنگ شناسی؛ تهران ۱۳۹۴.
۱۱. ساجدیان فرد، نجمه، هادیان، ابراهیم، صمدی، علی حسین و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۹۸)، بررسی آثار تحریم‌های بین‌المللی بر ساختار تجاری ایران، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، سال دهم، شماره سوم.

۱۲. صفا، حمیدرضا نیکوگفتار و ردادی، علی (۱۳۹۴)، تحلیل راهبردی تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۶، صص ۷۶-۹۶.
۱۳. طغیانی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل تأثیر گذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۳، صص ۱۱۵-۱۴۶.
۱۴. غفاری، هادی و یونسی، علی؛ مبانی فقهی پیشرفته اسلامی؛ چاپ دوم، انتشارات پیام نور، تهران ۱۳۹۵.
۱۵. کریمی فرد، حسین (۱۳۹۷)، سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۲۸۶-۳۰۴.
۱۶. مهدی‌لو، علی؛ ابوالحسنی، اصغر و محسن رضای (۱۳۹۸)، رتبه بندی انواع تحریم و برآورد شاخص مخاطرات تحریم، فصلنامه نظریه کاربرد های اقتصادی، سال ششم، شماره ۲، صص ۴۹-۷۶.
۱۷. نادمی، یونس و حسنوند، داریوش (۱۳۹۸)، شدت تحریم‌ها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم‌ها از منظر حقوق بشری، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری، دوره نهم، شماره ۳۱، صص ۱۵۴-۱۷۰.
۱۸. یعقوبی منظری، پریسا و مهدی رضایی (۱۳۹۷)، شناسایی بازارهای هدف کالای صنعتی با فناوری بالای ایران در کشورهای اسلامی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۴، صص ۸۹-۱۱۰.

19. Asadi, A., Shahrivar, M. M., & Esmaili, S. M. (2015). Passing through sanctions by resistive economy. *International Journal of Resistive Economics*, 3(1), 50-65
20. Cortright, D., Lopez, G. A., Conroy, R. W., Dashti-Gibson, J., Wagler, J., Malone, D. M., & Axworthy, L. (2000). *The sanctions decade: Assessing UN strategies in the 1990s* (Vol. 1). Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
21. Dai, M., Felbermayr, G., Kirilakha, A., Syropoulos, C., Yalcin, E., & Yotov, Y. (2021). *Timing the Impact of Sanctions on Trade* (No. 2021-7). LeBow College of Business, Drexel University.
22. Drezner (1999). *The sanctions paradox: economic statecraft and international relations*. New York: Cambridge University Press.

23. Eyler, R. (2007). *Economic Sanctions: International Policy and Political Economy at Work*. Palgrave Macmillan.
24. Ghodsi, M., & Karamelikli, H. (2020). *The impact of sanctions imposed by the European Union against Iran on their bilateral trade: General versus targeted sanctions* (No. 181). Working Paper.
25. Majidi, A. F., & Zarouni, Z. (2016). The Impact of Sanctions on the Economy of Iran. *International Journal of Resistive Economics*, 4(1), 84-99.
26. Hufbauer, G. C., & Oegg, B. (2003). *The impact of economic sanctions on US trade: Andrew Rose's gravity model* (No. PB03-04).
27. Hufbauer, G. C., Schott, J. J., & Elliott, K. A. (1990). *Economic sanctions reconsidered: History and current policy* (Vol. 1). Peterson Institute..
28. Phillips, P. C., & Hansen, B. E. (1990). Statistical inference in instrumental variables regression with I (1) processes. *The Review of Economic Studies*, 57(1), 99-125.
29. Rogers, E. (1996), "Using Economic Sanctions to Control Regional Conflicts", *Security Studies*, vol. 5, no. 4

